

زندگی نامه سیاسی سید حسن تقی‌زاده

منبع : موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

<http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=180&SP=Farsi>

بررسی و شناخت تاریخ معاصر ایران، بدون شناخت انقلاب مشروطه، علل و عوامل، ریشه‌های انحراف، علل پیدایش استبداد رضاخان از دل این انقلاب و موضوعاتی از این دست میسر نخواهد بود. در این بررسی، رجال و شخصیت‌های مؤثر تاریخ معاصر سهم به‌سزایی دارند. در بررسی رجال عصر مشروطه، سید حسن تقی‌زاده از چهره‌های مؤثر به‌شمار می‌رود. وی که در بین چهره‌های روشنفکر غربگرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود «اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد» و در نهایت به این آموزه‌ها نیز عمل نمود.

سید حسن تقی‌زاده از چهره‌های صاحب‌نام و ذی‌نفوذ در دستگاه وابسته ماسونی بود و تا مرتبه «استاد اعظم» ی ترقی کرد و از همین راه عده‌ای از اهل قلم و فرهنگ این مرز و بوم را به تشکیلات فراماسونری رهنمون ساخت؛ هر چند برای فرار از بیان واقعیات تاریخی و کنمان وابستگی‌اش به لژهای ماسونی، تجاها کرده و آن را افسانه‌ای بیش نمی‌خواند!

تقی‌زاده از جمله عاملان انحراف نهضت مشروطه به سمت ام‌یال سیاسی انگلستان و از عوامل توفیق نقشه‌های سیاسی آن کشور در ایران طی یک دوره 50 ساله پس از مشروطیت به‌شمار می‌رود.

او در شهریور 1256 در تبریز متولد شد. در دارالفنون تهران تحصیل کرد و از جوانی رشته‌های مختلف تحصیلی را در کنار زبانهای عربی و انگلیسی فرا گرفت.

از ابتدای جوانی به الگوهای غربی گرایش یافت. او خود گفته است که «از 16 سالگی درصدد رهایی از تقلید و اطاعت کورکورانه تعبدی بوده است.» 1 چند سال بعد بر اثر آشنایی با آثار نویسندگان تجدد خواه به علوم جدید غربی و اندیشه‌های اروپایی و تفکر تجددطلبانه تما یل یافت. او در 24 سالگی مدرسه‌ای به نام «تربیت» را با هدف ترویج اندیشه‌های غربی در تبریز تأسیس کرد، اما مخالفت روحانیون و مردم مذهبی مانع کار مدرسه شد. تقی‌زاده سپس به کمک بعضی دوستان و همفکران خود کتابخانه‌ای تأسیس کرد و در آن علاوه بر کتابهای دینی، کتابهای فرنگی نیز به معرض فروش گذاشت.

کتابخانه وی به سرعت به مرکزی برای رفت و آمد «متجددان» و همچنین آزادیخواهان آذربایجان تبدیل شد. این کتابخانه در حوادث مشروطه مورد حمله مردم قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

تقی‌زاده سپس دو هفته نامه «گنجینه فنون» را به کمک همفکران خود منتشر کرد. اما این نشریه نیز پس از یک سال و نیم انتشار به دلیل شیوع وبا در ایران و عزیمت نامبرده به خارج از کشور تعطیل شد. تقی‌زاده به ترکیه عثمانی، لبنان، سوریه، مصر و منطقه قفقاز رفت و با نویسندگان و محافل فرهنگی این کشورها و همچنین با نویسندگان نشریات فارسی زبان به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. او در کشاکش جنبش مشروطه به تبریز بازگشت و در صف آزادیخواهان تبریز قرار گرفت. پس از پیروزی جنبش مشروطه و افتتاح اولین مجلس شورای ملی به نمایندگی از سوی تجار تبریز انتخاب شد و در فرصت کوتاهی توانست رهبری جناح اقلیت روشنفکر و تجدد خواه مجلس را بر عهده بگیرد. 2 او از پیمان منعقد شده میان روسیه و انگلستان برای تقسیم ایران در 1286 (موسوم به قرارداد 1907) دفاع

کرد. 3 در تدوین متمم قانون اساسی ایران نیز نقش داشت و با مداخله روحانیون در مجلس برای نظارت و انطباق قوانین با موازین شرعی مخالفت کرد و از همین زمان نام او به عنوان یک سیاستمدار مخالف اعتقادات مذهبی بر سرزبانها افتاد. 4 این رویکرد وی به سرعت مورد توجه سفارتخانه‌های خارجی ذینفع در تحولات ایران قرار گرفت. او پس از به توپ بستن مجلس توسط نظامیان روس از بیم جان خود به سفارت انگلستان پناهنده شد. تیر 1287 - و از آنجا با وساطت این سفارتخانه توانست از طریق بندر انزلی به باکو و تفلیس برود. او در این سفر به فرانسه و انگلستان نیز رفت و در لندن از حمایت ادوارد براون - مستشرق و جاسوس انگلیسی - برخوردار شد. 5 براون و تقی‌زاده و جمعی از نمایندگان مجلس انگلستان با تشکیل «کمیته ایران» تلاش کردند تا سیاستهای بریتانیا در قبال جنبش مشروطه را هدفمند سازند. تقی‌زاده با عضویت در تشکیلات فراماسونری و با توجه به نفوذ گسترده آن در میان «منورالفکر»های ایرانی در خارج و داخل کشور و خصوصاً در میان طیفی از مشروطه‌خواهان، توانست به داخل جنبش مشروطه راه یافته و نقش خود را ایفا کند. 6 او در 1287 ش. با رتبه درجه یک به عضویت «لژ بیداری ایرانیان» درآمد. این لژ در اواسط سال 1285 توسط 10 نفر از فراماسونریهای ایرانی و فرانسوی در تهران شکل گرفت و در 15 آبان 1286 از سوی شرق اعظم به رسمیت شناخته شد و سند شناسایی رسمی آن در 30 آبان همان سال به تهران ارسال شد. 7 براساس اسناد موجود در 27 اردیبهشت 1287، سید حسن تقی‌زاده به عضویت «لژ بیداری ایران» درآمد. 8 وی در سال‌های بعد به سمت استادی اعظم لژ نیز نایل آمد. 9 تقی‌زاده در اواسط 1287 ش. در پی تشدید قیام مردم بر ضد محمد علی شاه مخفیانه به تبریز بازگشت. در آن زمان مشروطه خواهان تبریز حول شخصیت‌هایی چون ستارخان و باقرخان گردآمده بودند و تقی‌زاده تنها مورد توجه اقلیتی از روشنفکران جنبش مشروطه قرار گرفت.

پس از فتح تهران و خلع محمد علی شاه در 1288 ش. تقی‌زاده از سوی چهره‌هایی چون عضدالملک (نایب‌السلطنه)، محمد ولی خان تنکابنی، سردار اسعد بختیاری به تهران دعوت شد تا در کمیته‌ای که هدفش اداره موقت کشور و فرونشاندن خشم و تندی مشروطه خواهان بود فعالیت کند. در همین سال تقی‌زاده در انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی از مردم تبریز به مجلس راه یافت. در این دوره اختلاف میان دو جناح موسوم به اعتدالیون و انقلابیون، نمایندگان را به صف‌بندی‌های خصومت آمیز سوق داد. بحث‌های مربوط به اصلاحات ارضی، اعطای املاک زراعی به کشاورزان و همچنین دخالت یا عدم دخالت دین در سیاست، نمایندگان مجلس را رو در روی یکدیگر قرار داد. دستگیری و اعدام آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری پرچمدار مشروعیت در نهضت مشروطه - مرداد 1288 - و همچنین ترور آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی مقتدرترین رهبر جنبش مشروطه و رهبر جناح مخالف تقی‌زاده - تیر 1289 - نتیجه این رویارویی بود. در جلد دوم کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی آمده که شیخ فضل‌الله نوری به دستور کمیته‌ای به شهادت رسید که حسینقلی خان نواب، سید حسن تقی‌زاده، حسن وثوق‌الدوله، ابراهیم حکیم‌الملک، محمد ولی خان تنکابنی، سردار اسعد بختیاری و چند نفر دیگر عضو آن بودند. 10

پس از این حوادث، تقی‌زاده به دشمنی با روحانیت متهم شد و مرحوم آخوند خراسانی و عده‌ای از علمای نجف به «فساد مسلک سیاسی تقی‌زاده و عدم شایستگی او در مجلس و لزوم خروج او از ایران» 11 فتوا دادند.

در پی این تحولات تقی‌زاده رهسپار تبریز شد تا بحران فرو نشیند اما خشم افکار عمومی نسبت به وی سبب خروج او از کشور و عزیمتش به استانبول شد. تقی‌زاده طی یک سال و نیم اقامت در این شهر با محافل تجددخواه و روشنفکر، معاشر بود. او با مورگان شوستر مستشار امریکایی که برای ورود به ایران و تصدی امور مالی کشور آمده سفر به تهران می‌شد، 12 ملاقات کرد. سفری هم به

پاریس و لندن داشت و طی 6 ماه اقامت خود در انگلستان با ادوارد براون و چهره‌های دخیل در مسایل ایران دیدار و گفتگو کرد.

به هنگام اولتیماتوم روسیه به دولت ایران برای اخراج مورگان شوستر - آذر 1290 - که موجی از خشم و نفرت مردم و علما را به همراه آورد، تقی‌زاده از اروپا طی نامه‌ای ضمن حمایت از روسیه از دولت و مجلس خواست اولتیماتوم را پذیرفته و از روسیه عذرخواهی کنند. 13 وی در همین سفر بود که در جریان انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی غیباً به نمایندگی مجلس انتخاب شد! اما به ایران بازنگشت و در اردیبهشت 1292 در آستانه وقوع جنگ جهانی اول رهسپار امریکا شد.

با شروع جنگ جهانی اول دوره تازه‌ای در زندگی تقی‌زاده آغاز شد. دولت آلمان که قصد داشت سیاست‌های انگلیس و روسیه را خنثی کند و نقشه‌های خود را در همه جبهه‌ها از جمله در خاورمیانه و ایران به اجرا درآورد، برقراری تماس با همه سیاسیون مطرح در عرصه تحولات سیاسی ایران را آغاز کرد. ظاهراً از نظر دولت آلمان تقی‌زاده از عناصر مؤثر در اجرای این سیاست بود. و با وی از طریق واسطه‌ای تماس حاصل شد و تقی‌زاده در 10 دی 1293 - نخستین سال جنگ جهانی اول - از امریکا خارج شد و با یک کشتی هلندی رهسپار برلین شد. او در آلمان توانست جمعی از ایرانیان ملی‌گرا را به دور خود جمع کند و نشریه «کاو» 14 را انتشار دهد و «کمیته ملیون ایرانی» که هد فاش بسیج نیروهای سیاسی به کمک آلمان و آزاد کردن ایران از اشغال روسیه بود، تشکیل دهد. برخی از مورخین، تقی‌زاده را در این سالها جاسوس انگلیس در آلمان لقب داده‌اند تقی‌زاده در سالهای جنگ اول جهانی به روزنامه‌نگاری، سازماندهی نیروها، تماس با اشخاص با نفوذ سیاسی پرداخت و سفرهایی به اروپا انجام داد. او حتی در مجلس چهارم نیز که در تیر 1300 افتتاح شد و در انتخابات آن به طور غیابی گزینش شده بود، شرکت نکرد.

در بهمن 1300 به دستور قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت هیأتی از ایران برای انجام مذاکرات دوستانه و انعقاد قراردادهای سیاسی و بازرگانی با دولت شوروی به مسکو رفت. به درخواست قوام، تقی‌زاده از برلین رهسپار مسکو شد و ریاست این هیأت را بر عهده گرفت. در پایان این مأموریت، تقی‌زاده مجدداً رهسپار برلین شد. او در این شهر با یک دوشیزه آلمانی ازدواج کرد.

رویدادهایی مانند تثبیت اقتدار رضاخان، محو شدن سلسله قاجار، و سپس انتخاب غیابی مجدد تقی‌زاده برای ورود به پنجمین دوره مجلس شورای ملی، عواملی بودند که باعث شد وی به سفر 14 ساله خود در اروپا و امریکا و از جمله به اقامت 9 ساله خود در آلمان خاتمه دهد و در تابستان 1303 به تهران بازگردد. تقی‌زاده پس از حدود یک دهه دوری از کشور با فضای سیاسی تازه‌ای در ایران رو برو شد. در مجلس پنجم اعضای حزب جدیدالتأسیسی که عمدتاً جوانان تحصیل کرده در غرب و طرفدار اندیشه‌های غربی بودند و از مشی جدایی دین از سیاست تبعیت می‌کردند، به تقی‌زاده نزدیک شدند. این در حالی بود که این حزب از حمایت رضاخان نیز برخوردار بود. رضاخان حتی یکبار به منزل تقی‌زاده رفت و در زمینه تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی در کشور و نیز «اصلاحات و توسعه» با وی مشورت کرد.

تقی‌زاده در عصر رضا شاه پهلوی به مناصب مهمی چون استانداری، وزیرمختاری، سفارت و وزارت رسید. در برنامه‌های که رضا شاه از آن به عنوان «اصلاحات و توسعه» یاد می‌کرد همکار نزدیک او بود. وی در دی 1307 به توصیه تیمور تاش وزیر دربار رضاخان والی خراسان شد و در تیر 1308 به عنوان وزیر مختار ایران عازم لندن شد و در فروردین 1309 به عنوان وزیر طرق و شوارع - وزیر راه - به کابینه مخبرالسلطنه هدایت راه یافت. در مرداد همان سال با حفظ سمت وزیر مالیه شد. او در همین سمت بود که در 1312 قرارداد دادرسی را با شرایطی خلاف منافع کشور تجدید کرد. 15 و موجی از لعن افکار عمومی را تا پایان به جان خرید. تقی‌زاده تصمیم این قرارداد را به عهده رضاشاه دانسته و خود را «آلت

فعل» او تلقی کرده است، ولی طیف وسیعی از نمایندگان مجلس او را «عامد و عامل» خواندند. تقی‌زاده پس از انعقاد قرارداد تجدید داری از وزارت برکنار شد و در دی همان سال به عنوان وزیر مختار رهسپار فرانسه شد و به تعبیری از ایران دور شد. اما این سمت دوامی نداشت و تقی‌زاده به دلیل ناتوانی در جلوگیری از نشر مطالب انتقادی علیه رضاشاه در مطبوعات فرانسه، در مرداد 1314 برکنار شد. او رهسپار برلین شد و یک سال در این شهر ماند. سپس به کمک حسین علاء سفیر ایران در لندن و «سردنيس راس» رئیس مؤسسه مطالعات شرقی در لندن توانست به عنوان مدرس زبان فارسی و تاریخ ایران به تدریس در دانشگاه پردازد. او تا پایان سلطنت رضاخان به تهران بازنگشت و به مدت 6 سال در دانشگاه‌های انگلیس به تدریس مشغول بود.

جنگ جهانی دوم، سقوط رضاشاه، اشغال ایران، تغییر فضای سیاسی کشور، تشکیل کابینه فروغی و بر سر آمدن دوستان تقی‌زاده، دوباره او را به دنیای سیاست بازگرداند. تقی‌زاده در آبان 1320 وزیر مختار ایران در فرانسه و چندی بعد سفیر کبیر در آن کشور شد. او در سالهای نیمه اول دهه 1320 در دفاع از مواضع حکومت محمدرضا پهلوی در سازمان‌های بین‌المللی فعال بود. در رویارویی با حوادث آذربایجان و دفاع از شکوایه‌های حکومت شاه از روسیه در شورای امنیت سازمان ملل، تلاش‌های فراوانی کرد. او در 1323 سفیر کبیر ایران در انگلستان شد و در 1326 به عنوان نماینده مردم تبریز به مجلس پانزدهم راه یافت. تقی‌زاده در مهر این سال وارد تهران شد و در مجلس به خاطر حمایت از تمدید قرارداد نفت به خیانت و عاملیت انگلیس و تبنانی به زیان کشور متهم شد. او در مجلس پانزدهم منزوی بود. در 1328 در اولین انتخابات مجلس سنا به عنوان یکی از سناتورهای تهران انتخاب شد و تا 1346 در این سمت باقی ماند. او 6 سال از این مدت از جمله دوره بحرانی ملی شدن صنعت نفت را رئیس سنا بود. و در این سمت با ملی شدن صنعت نفت مخالفت می‌ورزید تقی‌زاده سپس در سال 1346 به دلیل افشا شدن اسامی و اسرار فراماسون‌های ایرانی توسط ساواک که برای تضعیف نفوذ انگلیس و تقویت نفوذ آمریکا صورت گرفت، به بهانه کهولت سن، فعالیت سیاسی را کنار نهاد و 16 و خانه نشین شد. او در سالهای پایانی عمر خود فلج و ویلچر نشین شد و در 8 بهمن 1348 در 92 سالگی درگذشت.

پانوشت‌ها:

1. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره المعارف اسلامي، ج 7، ص 884.
2. دانشنامه، همان،
3. رهبران مشروطه، ابراهم صفائی، انتشارات جاویدان، ج 2، ص 245.
4. رهبران مشروطه، همان، ص 249.
5. ادوارد براون که از مروجان فرقه ضاله بایبگری و بهائیگری بود، صاحب تألیفات عدیده‌ای به زبان فارسی است. او در 15 دی 1304 در لندن درگذشت.
6. مشاهیر سیاسی قرن بیستم، احمد ساجدی، انتشارات محراب قلم، ص 131.
7. فصلنامه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج 6، ص 237.
8. فصلنامه، همان.
9. سید حسن تقی‌زاده به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، مقدمه ص نه.
10. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج 2، ص 157.
11. مشاهیر، همان، ص 132.
12. مورگان شوستر در 17 اردیبهشت 1290 همراه با 4 مستشار دیگر آمریکایی برای آنچه که «اصلاح امور مالی ایران» خوانده شد به تهران آمد.

13. سید حسن تقی‌زاده، همان، مقدمه، ص یازده.
14. اولین شماره نشریه «کاه» به مدیریت تقی‌زاده در سوم بهمن 1294 در برلین منتشر شد. این نشریه از 15 شهریور سال بعد به صورت روزانه - روزنامه - درآمد.
15. برای اطلاع از تجدید پیمان داری به مقاله «سرگذشت نفت از فوران اولین چاه تا پیروزی انقلاب» در سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مراجعه شود.
16. مشاهیر، همان، ص 133.

بررسی و شناخت تاریخ معاصر ایران، بدون شناخت انقلاب مشروطه، علل و عوامل، ریشه‌های انحراف، علل پیدایش استبداد رضاخان از دل این انقلاب و موضوعاتی از این دست میسر نخواهد بود. در این بررسی، رجال و شخصیت‌های مؤثر تاریخ معاصر سهم به‌سزایی دارند. در بررسی رجال عصر مشروطه، سید حسن تقی‌زاده از چهره‌های مؤثر به‌شمار می‌رود. وی که در بین چهره‌های روشنفکر غربگرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود «اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد» و در نهایت به این آموزه‌ها نیز عمل نمود.

سید حسن تقی‌زاده از چهره‌های صاحب نام و ذی نفوذ در دستگاه وابسته ماسونی بود و تا مرتبه «استاد اعظم» ی ترقی کرد و از همین راه عده‌ای از اهل قلم و فرهنگ این مرز و بوم را به تشکیلات فراماسونری رهنمون ساخت؛ هر چند برای فرار از بیان واقعیات تاریخی و کتمان وابستگی‌اش به لژهای ماسونی، تجاهر کرده و آن را افسانه‌ای بیش نمی‌خواند!

تقی زاده از جمله عاملان انحراف نهضت مشروطه به سمت امیال سیاسی انگلستان و از عوامل توفیق نقشه‌های سیاسی آن کشور در ایران طی یک دوره 50 ساله پس از مشروطیت به‌شمار می‌رود.

او در شهریور 1256 در تبریز متولد شد. در دارالفنون تهران تحصیل کرد و از جوانی رشته‌های مختلف تحصیلی را در کنار زبانهای عربی و انگلیسی فرا گرفت.

از ابتدای جوانی به الگوهای غربی گرایش یافت. او خود گفته است که «از 16 سالگی درصدد رهایی از تقلید و اطاعت کورکورانه تعبدی بوده است.» 1 چند سال بعد بر اثر آشنایی با آثار نویسندگان تجدد خواه به علوم جدید غربی و اندیشه‌های اروپایی و تفکر تجددطلبانه تما یل یافت. او در 24 سالگی مدرسه‌ای به نام «تربیت» را با هدف ترویج اندیشه‌های غربی در تبریز تأسیس کرد، اما مخالفت روحانیون و مردم مذهبی مانع کار مدرسه شد. تقی زاده سپس به کمک بعضی دوستان و همفکران خود کتابخانه‌ای تأسیس کرد و در آن علاوه بر کتابهای دینی، کتابهای فرنگی نیز به معرض فروش گذاشت.

کتابخانه وی به سرعت به مرکزی برای رفت و آمد «متجددان» و همچنین آزادیخواهان آذربایجان تبدیل شد. این کتابخانه در حوادث مشروطه مورد حمله مردم قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

تقی‌زاده سپس دو هفته نامه «گنجینه فنون» را به کمک همفکران خود منتشر کرد. اما این نشریه نیز پس از یک سال و نیم انتشار به دلیل شیوع وبا در ایران و عزیمت نامبرده به خارج از کشور تعطیل شد. تقی‌زاده به ترکیه عثمانی، لبنان، سوریه، مصر و منطقه قفقاز رفت و با نویسندگان و محافل فرهنگی این کشورها و همچنین با نویسندگان نشریات فارسی زبان به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. او در کشاکش جنبش مشروطه به تبریز بازگشت و در صف آزادیخواهان تبریز قرار گرفت. پس از پیروزی جنبش مشروطه و افتتاح اولین مجلس شورای ملی به نمایندگی از سوی تجار تبریز انتخاب شد و در

فرصت کوتاهی توانست رهبری جناح اقلیت روشنفکر و تجدد خواه مجلس را بر عهده بگیرد. 2 او از پیمان منعقد شده میان روسیه و انگلستان برای تقسیم ایران در 1286 (موسوم به قرارداد 1907) دفاع کرد. 3 در تدوین متمم قانون اساسی ایران نیز نقش داشت و با مداخله روحانیون در مجلس برای نظارت و انطباق قوانین با موازین شرعی مخالفت کرد و از همین زمان نام او به عنوان یک سیاستمدار مخالف اعتقادات مذهبی بر سر زبانها افتاد. 4 این رویکرد وی به سرعت مورد توجه سفارتخانه‌های خارجی ذینفع در تحولات ایران قرار گرفت. او پس از به توپ بستن مجلس توسط نظامیان روس از بیم جان خود به سفارت انگلستان پناهنده شد. تیر 1287 - و از آنجا با وساطت این سفارتخانه توانست از طریق بندر انزلی به باکو و تفلیس برود. او در این سفر به فرانسه و انگلستان نیز رفت و در لندن از حمایت ادوارد براون - مستشرق و جاسوس انگلیسی - برخوردار شد. 5 براون و تقی‌زاده و جمعی از نمایندگان مجلس انگلستان با تشکیل «کمیته ایران» تلاش کردند تا سیاستهای بریتانیا در قبال جنبش مشروطه را هدفمند سازند. تقی‌زاده با عضویت در تشکیلات فراماسونری و با توجه به نفوذ گسترده آن در میان «منورالفکر»های ایرانی در خارج و داخل کشور و خصوصاً در میان طیفی از مشروطه‌خواهان، توانست به داخل جنبش مشروطه راه یافته و نقش خود را ایفا کند. 6 او در 1287 ش. با رتبه درجه یک به عضویت «لژ بیداری ایرانیان» درآمد. این لژ در اواسط سال 1285 توسط 10 نفر از فراماسونریهای ایرانی و فرانسوی در تهران شکل گرفت و در 15 آبان 1286 از سوی شرق اعظم به رسمیت شناخته شد و سند شناسایی رسمی آن در 30 آبان همان سال به تهران ارسال شد. 7 براساس اسناد موجود در 27 اردیبهشت 1287، سید حسن تقی‌زاده به عضویت «لژ بیداری ایران» درآمد. 8 وی در سال‌های بعد به سمت استادی اعظم لژ نیز نایل آمد. 9 تقی‌زاده در اواسط 1287 ش. در پی تشدید قیام مردم بر ضد محمد علی شاه مخفیانه به تبریز بازگشت. در آن زمان مشروطه خواهان تبریز حول شخصیت‌هایی چون ستارخان و باقرخان گردآمده بودند و تقی‌زاده تنها مورد توجه اقلیتی از روشنفکران جنبش مشروطه قرار گرفت.

پس از فتح تهران و خلع محمد علی شاه در 1288 ش. تقی‌زاده از سوی چهره‌هایی چون عضدالملک (نایب‌السلطنه)، محمد ولی خان تنکابنی، سردار اسعد بختیاری به تهران دعوت شد تا در کمیته‌ای که هدفش اداره موقت کشور و فرونشاندن خشم و تندروی مشروطه خواهان بود فعالیت کند. در همین سال تقی‌زاده در انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی از مردم تبریز به مجلس راه یافت. در این دوره اختلاف میان دو جناح موسوم به اعتدالیون و انقلابیون، نمایندگان را به صف‌بندی‌های خصومت آمیز سوق داد. بحث‌های مربوط به اصلاحات ارضی، اعطای املاک زراعی به کشاورزان و همچنین دخالت یا عدم دخالت دین در سیاست، نمایندگان مجلس را رو در روی یکدیگر قرار داد. دستگیری و اعدام آیت‌الله شیخ فضل الله نوری پرچمدار مشروعیت در نهضت مشروطه - مرداد 1288 - و همچنین ترور آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی مقتدرترین رهبر جنبش مشروطه و رهبر جناح مخالف تقی‌زاده - تیر 1289 - نتیجه این رویارویی بود. در جلد دوم کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی آمده که شیخ فضل الله نوری به دستور کمیته‌ای به شهادت رسید که حسینقلی خان نواب، سید حسن تقی‌زاده، حسن وثوق‌الدوله، ابراهیم حکیم‌الملک، محمد ولی خان تنکابنی، سردار اسعد بختیاری و چند نفر دیگر عضو آن بودند. 10

پس از این حوادث، تقی‌زاده به دشمنی با روحانیت متهم شد و مرحوم آخوند خراسانی و عده‌ای از علمای نجف به «فساد مسلک سیاسی تقی‌زاده و عدم شایستگی او در مجلس و لزوم خروج او از ایران» 11 فتوا دادند.

در پی این تحولات تقی‌زاده رهسپار تبریز شد تا بحران فرو نشیند اما خشم افکار عمومی نسبت به وی سبب خروج او از کشور و عزیمتش به استانبول شد. تقی‌زاده طی یک سال و نیم اقامت در این

شهر با محافل تجددخواه و روشنفکر، معاشر بود. او با مورگان شوستر مستشار امریکایی که برای ورود به ایران و تصدی امور مالی کشور آماده سفر به تهران می‌شد، 12 ملاقات کرد. سفری هم به پاریس و لندن داشت و طی 6 ماه اقامت خود در انگلستان با ادوارد براون و چهره‌های دخیل در مسایل ایران دیدار و گفتگو کرد.

به هنگام اولتیماتوم روسیه به دولت ایران برای اخراج مورگان شوستر - آذر 1290 - که موجی از خشم و نفرت مردم و علما را به همراه آورد، تقی‌زاده از اروپا طی نامه‌ای ضمن حمایت از روسیه از دولت و مجلس خواست اولتیماتوم را پذیرفته و از روسیه عذرخواهی کنند. 13 وی در همین سفر بود که در جریان انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی غیباً به نمایندگی مجلس انتخاب شد! اما به ایران بازنگشت و در اردیبهشت 1292 در آستانه وقوع جنگ جهانی اول رهسپار امریکا شد.

با شروع جنگ جهانی اول دوره تازه‌ای در زندگی تقی‌زاده آغاز شد. دولت آلمان که قصد داشت سیاست‌های انگلیس و روسیه را خنثی کند و نقشه‌های خود را در همه جبهه‌ها از جمله در خاورمیانه و ایران به اجرا درآورد، برقراری تماس با همه سیاسیون مطرح در عرصه تحولات سیاسی ایران را آغاز کرد. ظاهراً از نظر دولت آلمان تقی‌زاده از عناصر مؤثر در اجرای این سیاست بود. با وی از طریق واسطه‌ای تماس حاصل شد و تقی‌زاده در 10 دی 1293 - نخستین سال جنگ جهانی اول - از امریکا خارج شد و با یک کشتی هلندی رهسپار برلین شد. او در آلمان توانست جمعی از ایرانیان ملی‌گرا را به دور خود جمع کند و نشریه «کاه» 14 را انتشار دهد و «کمیته ملیون ایرانی» که هدفش بسیج نیروهای سیاسی به کمک آلمان و آزاد کردن ایران از اشغال روسیه بود، تشکیل دهد. برخی از مورخین، تقی‌زاده را در این سالها جاسوس انگلیس در آلمان لقب داده‌اند. تقی‌زاده در سالهای جنگ اول جهانی به روزنامه‌نگاری، سازماندهی نیروها، تماس با اشخاص با نفوذ سیاسی پرداخت و سفرهایی به اروپا انجام داد. او حتی در مجلس چهارم نیز که در تیر 1300 افتتاح شد و در انتخابات آن به طور غیابی‌گزینه شده بود، شرکت نکرد.

در بهمن 1300 به دستور قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت هیأتی از ایران برای انجام مذاکرات دوستانه و انعقاد قراردادهای سیاسی و بازرگانی با دولت شوروی به مسکو رفت. به درخواست قوام، تقی‌زاده از برلین رهسپار مسکو شد و ریاست این هیأت را بر عهده گرفت. در پایان این مأموریت، تقی‌زاده مجدداً رهسپار برلین شد. او در این شهر با یک دوشیزه آلمانی ازدواج کرد.

رویدادهایی مانند تثبیت اقتدار رضاخان، محو شدن سلسله قاجار، و سپس انتخاب غیابی مجدد تقی‌زاده برای ورود به پنجمین دوره مجلس شورای ملی، عواملی بودند که باعث شد وی به سفر 14 ساله خود در اروپا و امریکا و از جمله به اقامت 9 ساله خود در آلمان خاتمه دهد و در تابستان 1303 به تهران بازگردد. تقی‌زاده پس از حدود یک دهه دوری از کشور با فضای سیاسی تازه‌ای در ایران روبرو شد. در مجلس پنجم اعضای حزب جدیدالتأسیسی که عمدتاً جوانان تحصیل کرده در غرب و طرفدار اندیشه‌های غربی بودند و از مشی جدایی دین از سیاست تبعیت می‌کردند، به تقی‌زاده نزدیک شدند. این در حالی بود که این حزب از حمایت رضاخان نیز برخوردار بود. رضاخان حتی یک‌بار به منزل تقی‌زاده رفت و در زمینه تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی در کشور و نیز «اصلاحات و توسعه» با وی مشورت کرد.

تقی‌زاده در عصر رضا شاه پهلوی به مناصب مهمی چون استانداری، وزیرمختاری، سفارت و وزارت رسید. در برنامه‌های که رضا شاه از آن به عنوان «اصلاحات و توسعه» یاد می‌کرد همکار نزدیک او بود. وی در دی 1307 به توصیه تیمور تاش وزیر دربار رضاخان والی خراسان شد و در تیر 1308 به عنوان وزیر مختار ایران عازم لندن شد و در فروردین 1309 به عنوان وزیر طرق و شوارع - وزیر راه - به کابینه مخبرالسلطنه هدایت راه یافت. در مرداد همان سال با حفظ سمت وزیر مالیه شد. او در همین سمت

بود که در 1312 قرارداد دادرسی را با شرایطی خلاف منافع کشور تجدید کرد. 15 و موجی از لعن افکار عمومی را تا پایان به جان خرید. تقی‌زاده تصمیم این قرارداد را به عهده رضاشاه دانسته و خود را «آلت فعل» او تلقی کرده است، ولی طیف وسیعی از نمایندگان مجلس او را «عامد و عامل» خواندند.

تقی‌زاده پس از انعقاد قرارداد تجدید دادرسی از وزارت برکنار شد و در دی همان سال به عنوان وزیر مختار رهسپار فرانسه شد و به تعبیری از ایران دور شد. اما این سمت دوامی نداشت و تقی‌زاده به دلیل ناتوانی در جلوگیری از نشر مطالب انتقادی علیه رضاشاه در مطبوعات فرانسه، در مرداد 1314 برکنار شد. او رهسپار برلین شد و یک سال در این شهر ماند. سپس به کمک حسین علاء سفیر ایران در لندن و «سردنيس راس» رئیس مؤسسه مطالعات شرقی در لندن توانست به عنوان مدرس زبان فارسی و تاریخ ایران به تدریس در دانشگاه بپردازد. او تا پایان سلطنت رضاخان به تهران بازنگشت و به مدت 6 سال در دانشگاه‌های انگلیس به تدریس مشغول بود.

جنگ جهانی دوم، سقوط رضاشاه، اشغال ایران، تغییر فضای سیاسی کشور، تشکیل کابینه فروغی و بر سر آمدن دوستان تقی‌زاده، دوباره او را به دنیای سیاست بازگرداند. تقی‌زاده در آبان 1320 وزیر مختار ایران در فرانسه و چندی بعد سفیر کبیر در آن کشور شد. او در سالهای نیمه اول دهه 1320 در دفاع از مواضع حکومت محمدرضا پهلوی در سازمان‌های بین‌المللی فعال بود. در رویارویی با حوادث آذربایجان و دفاع از شکوایه‌های حکومت شاه از روسیه در شورای امنیت سازمان ملل، تلاش‌های فراوانی کرد. او در 1323 سفیر کبیر ایران در انگلستان شد و در 1326 به عنوان نماینده مردم تبریز به مجلس پانزدهم راه یافت. تقی‌زاده در مهر این سال وارد تهران شد و در مجلس به خاطر حمایت از تمدید قرارداد نفت به خیانت و عاملیت انگلیس و تبنانی به زیان کشور متهم شد. او در مجلس پانزدهم منزوی بود. در 1328 در اولین انتخابات مجلس سنا به عنوان یکی از سناتورهای تهران انتخاب شد و تا 1346 در این سمت باقی ماند. او 6 سال از این مدت از جمله دوره بحرانی ملی شدن صنعت نفت را رئیس سنا بود و در این سمت با ملی شدن صنعت نفت مخالفت می‌ورزید. تقی‌زاده سپس در سال 1346 به دلیل افشا شدن اسامی و اسرار فراماسون‌های ایرانی توسط ساواک که برای تضعیف نفوذ انگلیس و تقویت نفوذ امریکا صورت گرفت، به بهانه کهولت سن، فعالیت سیاسی را کنار نهاد 16 و خانه نشین شد. او در سالهای پایانی عمر خود فلج و ویلچر نشین شد و در 8 بهمن 1348 در 92 سالگی درگذشت.

پانوشته‌ها:

1. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج 7، ص 884.
2. دانشنامه، همان،
3. رهبران مشروطه، ابراهم صفائی، انتشارات جاویدان، ج 2، ص 245.
4. رهبران مشروطه، همان، ص 249.
5. ادوارد براون که از مروجان فرقه ضاله بایگري و بهائیگري بود، صاحب تألیفات عدیده‌ای به زبان فارسی است. او در 15 دی 1304 در لندن درگذشت.
6. مشاهیر سیاسی قرن بیستم، احمد ساجدی، انتشارات محراب قلم، ص 131.
7. فصلنامه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج 6، ص 237.
8. فصلنامه، همان.
9. سید حسن تقی‌زاده به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، مقدمه ص نه.
10. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج 2، ص 157.

11. مشاهیر، همان، ص 132.
12. مورگان شوستر در 17 اردیبهشت 1290 همراه با 4 مستشار دیگر آمریکایی برای آنچه که «اصلاح امور مالی ایران» خنده شد به تهران آمد.
13. سید حسن تقی‌زاده، همان، مقدمه، ص یازده.
14. اولین شماره نشریه «کاوه» به مدیریت تقی‌زاده در سوم بهمن 1294 در برلین منتشر شد. این نشریه از 15 شهریور سال بعد به صورت روزانه - روزنامه - درآمد.
15. برای اطلاع از تجدید پیمان داری به مقاله «سرگذشت نفت از فوران اولین چاه تا پیروزی انقلاب» در سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مراجعه شود.
16. مشاهیر، همان، ص 133.

History Site of Mirhadi hoseini